

لیبرالیسم و تربیت:

واژه لیبرالیسم Liberalism به معنای آزادی خواهی است و از واژه انگلیسی Liberty به معنای آزادی گرفته شده است. واژه لیبرال Liberal یک واژه فرانسوی بوده و به معنای فرد آزادی خواه یا هوادار آزادی است و در لغت به معنای آزاد مرد، بلندنظر، راد، بخشنده، بی تعصب و روشن فکر نیز آمده است

اصول اساسی لیبرالیسم:

- ۱- ارزش های لیبرالیستی بر پایه متافیزیکی استوار نبوده بلکه بر بنیاد نظریه ای از ماهیت انسان و جامعه قرار دارد
- ۲- لیبرالیست با اهمیتی که برای آزادی قایل می شود خود را از سایر آموزه های سیاسی متمایز می سازد. آزادی از دید لیبرالیست وسیله رسیدن به یک هدف متعالی تر نیست بلکه عالی ترین هدف است و با آزادی از قید حکومت یکسان پنداشته می شود و در دو مفهوم مثبت و منفی مورد استفاده قرار می گیرد
- ۳- انسان ماهیتاً موجودی است که دنبال نفع شخصی خودش است و محرک تمام رفتار و اعمال انسان نیز همان است. به عبارت دیگر محرک اصلی نیازهای انسان منافع آن هاست و معتقدند انسان برای اینکه به منافع خود برسد از نیرویی به نام خرد استفاده می کند
- ۴- به سکولاریزم یا غیر دینی کردن معتقدند. این اندیشه بر آن باور است که دین یک امر مشخص است نه یک امر اجتماعی. لیبرالیست ها با رسمیت بخشیدن به دین مخالفند و بر این باورند که باید بین دین و دولت و تربیت و دین دیوار جدایی انداخت. معتقدند همه تعالیم مذهبی باید از مدارس حذف شوند و رسمیت بخشیدن به دین را ممنوع می دانند. البته باید گفت بین بی دینی و غیر دینی تفاوت وجود دارد
- ۵- لیبرالیست ها تاکید زیادی بر فردیت یا فرد گرایی دارند و به فرد خیلی اصالت می دهند. فرد سه حق اساسی حیات، آزادی و مالکیت. نظام سیاسی که افراد بر می گزینند که حکومتی سکولار است افراد در یک فرآیند پارلمانی مسالمت آمیز انتخاب می شوند و به اصل حاکمیت مردم نیز توجه می شود. لذا مردم حکومتی را انتخاب می کنند تا از حقوق شهروندی آن ها حمایت کند. حکومت لازم است تا به حقوق شهروندان تجاوز صورت نگیرد و دموکراسی نیز لازم است تا از انحرافات حکومت جلوگیری نماید

اقسام لیبرالیسم:

لیبرالیسم فرهنگی: به معنی جانبداری از آزادی های فردی و اجتماعی

لیبرالیسم دینی: به این معنی که دین امری شخصی است

لیبرالیسم اخلاقی: اعتقاد به یک آیین انعطاف پذیر در آموزه های اخلاقی

لیبرالیسم اقتصادی: به معنی حفظ آزادی اقتصادی و دفاع از حریم مالکیت خصوصی و سرمایه داری

لیبرالیسم سیاسی: باورها و اعتقادات هر شخص در حوزه فردی و شخصی محترم است

اعتقادات مشترک میان اندیشه های لیبرالی:

- ۱- مردم در جامعه ای سیاسی باید آزاد باشند
- ۲- برابری مردم در جامعه ای سیاسی
- ۳- نقش دولت باید تعریف شود، به نحوی که تقویت کننده آزادی و برابری باشد
- ۴- هر جامعه سیاسی باید برای افرادی که در آن زندگی می کنند موجه باشد
- ۵- عقل ابزاری است که دولت لیبرال با آن حکومت می کند

اندیشه های جان لاک:

- ۱- دیدگاه معرفت شناسانه خود را در مقابل ایده های ذاتی بیان می کند و معتقد است کلید معرفت انسان حواس اوست. معرفت ادراک پیوندهای میان تصورات است. شناختی که از راه حواس به دست می آید محدود است و فقط وجود اشیا را به ما می شناساند نه طبیعت و ماهیتشان را. چون اندیشه های ما درباره ی جهان محدود به مفاهیمی است که از راه حواس کسب شده اند بنابر این تعقل ما درباره جهان نیز محدود است
- ۲- انسان نه تنها قبل از تولدش هیچ چیزی در ضمیرش نوشته نشده است بلکه ذهن او مانند لوح سفیدی است و شخصیت انسان تحت تاثیر محیط و چیزهایی که روی آن لوح نوشته می شود شکل می گیرد
- ۳- انسان موجودی شکل پذیر است و محیط هر گونه که خواست می تواند فرد را شکل دهد
- ۴- هر فردی دارای سه حق اساسی آزادی، حیات و مالکیت است. آزادی، داشتن اختیار برای انتخاب از میان شقوق مختلف و تحقق آن هاست. حق مالکیت اینگونه تعریف می شود که هر کس هر چه خواست می تواند بیندوزد اما به اندازه
- ۵- همه انسان ها به طور طبیعی در یک وضع آزادی کامل قرار دارند. مردم، آزادی کامل دارند تا در حدود قانون طبیعی، هر عملی را انجام دهند.
- ۶- قانون طبیعی از اراده الهی نشأت گرفته و عقل بشر قادر به پی بردن به آن است. هر فردی مسئولیت دارد قانون طبیعی را که انسانها را به هم متصل کرده و هدف از آن، حفظ صلح و آرامش و جلوگیری از آسیب رساندن به یکدیگر است، وضع نماید
- ۷- کسی نمی تواند شناختی را که خود فرد باید کسب کند به جای او بدست آورد لذا خودش باید در امور تعمق کند
- ۸- لاک نظریه حکومت مطلقه را رد می کند و معتقد است برای حکومت کردن به فرمانروا نیاز است اما قدرت مطلقه برای او جایز نیست و او باید پاسخگوی اعمالش باشد و مجمع خاصی باید از او نظر بخواهد. انسان ها میان

خود قراردادی را برای ایجاد یک جامعه سیاسی که حامی و حافظ قانون طبیعی و حقوق طبیعی حیات، آزادی و نوعی مالکیت است، منعقد می نمایند. اگر فرمانروای این جامعه، حقوق افراد را نادیده بگیرد، مردم حق برکنار کردن او را دارند. مردم، امر اطاعت از حکومت را به نحوی از انحاء از طریق رضایت ضمنی به ترتیبات سیاسی موجود به عهده می گیرند. چون رضایت، حتی به صورت ضمنی آن، از سر اراده و آزادی صورت گرفته، لذا مادام که شرایط قرارداد رعایت شود، اطاعت از حکومت یک امر واجب است

آرای تربیتی جان لاک:

- ۱- باید از یک نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لیبرالیستی یک نهاد تعلیم و تربیت لیبرالیستی پشتیبانی کند و دانش آن را ترویج دهد تا موجب استقرار و تداوم جامعه لیبرالیستی گردد
- ۲- ارزش های اساسی در تربیت سواد، نظم و سود است و این ارزش ها در مدرسه باید تدریس شود و شهروندانی را تربیت کند تا نظام لیبرال را بشناسند. آنچه موجب حفظ و ماندگاری نظام لیبرالیستی می گردد تعلیم و تربیت لیبرالیستی است.
- ۳- اصول تعلیم و تربیت لیبرالیستی عبارت است از: **تقوی و پرهیزگاری** که باید انسان هایی را تربیت کرد تا خودشان را کنترل نمایند، **پرورش خرد** که بواسطه آن راه برای مسیر زندگی تحت خرد آماده می شود، **بچه ها را باید آداب دان بار آورد، اهمیت یادگیری موضوعات اجتماعی** بسیار مهم است.
- ۴- تربیت نوعی جهت دادن است. آب را همان گونه که می توان از سرچشمه به هر سوئی جهت داد، کودک را باید از همان ابتدا جهت دهیم و آن ها را باید الگو و نمونه تربیت کرد
- ۵- باید از کودکان مواظبت کرد که با افراد بد معاشرت نکنند زیرا در اثر معاشرت بد احساس خودارزشمندی و با ارزش بودن را از دست می دهند و نفس خود را محترم نخواهند شمرد و تمامی باف ته های انسانی طبیعی خود را پنبه خواهند نمود
- ۶- باید به خانه خاکی عقل یعنی جسم خیلی توجه کنیم و تربیت بدنی نیز اهمیت دارد و کودک باید از طریق بازی کردن بیاموزد
- ۷- نباید کارهایی را به کودک تحمیل کرد که وی تحمل انجام آن را ندارد و باید متناسب سازی کرد چراکه در غیر این صورت سلامت کودک به خطر می افتد
- ۸- لازمست کودکان دعا در درگاه خداوند و مسایل عقیدتی را یاد بگیرند و هر روز کودک آیاتی را تلاوت نماید